



۱۷ جنوری ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

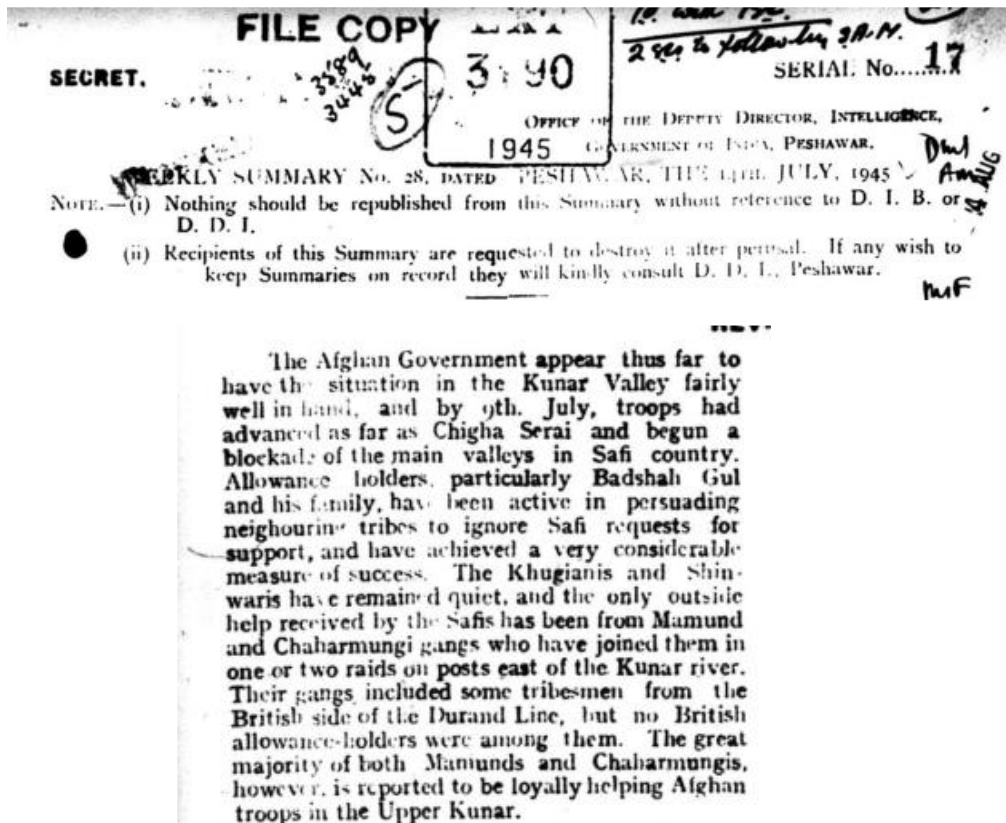
قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت سیزدهم)

سردار داؤد خان در شدت عملش از مربی خود، هاشم خان صدراعظم، هم سبقت میکرد

قبول نکردن مکلفیت اجباری عسکری و رویداد لت و کوب مامورین احصائیه در درهٔ مزار کُنر، به خاندان حاکم، که آمادگی هایش را تا حال تکمیل نموده بود، بهانهٔ خوبی بود تا به زور سر نیزه تطبیق پلان مکلفیت اجباری بر قوم صافی را آغاز و زمینهٔ آموزش عملی یکی از جوانان نسل یحیی خیل، سردار محمد داؤد خان، را فراهم کند. همان بود که سردار محمد داؤد خان، قوماندان قوای مرکز، مسئولیت مستقیم عملیات را به یاری دو لوی اضافی نیروهای نظامی قوای مرکز بدست گرفت. وی اولتر از همه فرقه مشر میراحمد خان، قوماندان فرقهٔ مشرقی، را از صحنه بیرون و به جلال آباد فرا خواند و به قوای نظامی امر پیشروی و سرکوبی را صادر نمود.

راپور استخبارات انگلیس بیانگر آنست که استفاده از توزیع پول و قوای عسکری مؤثر بوده، حکومت اوضاع را تحت کنترل قرار داده و قوای نظامی موفق شدند تا به چغه سرای [اسعدآباد مرکز کُنرها] به پیش روی شان ادامه دهند.



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

«بنظر میرسد که حکومت افغانستان تا به حال بر اوضاع دره کُز نسبتاً به خوبی حاکم بوده و قوای نظامی تا به چغه سرای پیشروی نموده و انسداد دره های عمده صافی نشین را آغاز نموده است. جیره خواران، بخصوص پاچا گل و خانواده اش در وادار ساختن اقوام همسایه به نا دیده گرفتن تقاضای کمک صافی ها، مؤفقت چشمگیری را بدست آورده اند. خوگیانی ها و شینواری ها خاموش مانده و تنها کمکی که صافی ها از بیرون بدست آورده اند، دسته های از منطقه ماموند و چهارمینگ [باجور] بوده که در یکی دو حمله بر پوسته های شرق دریای کُز سهم گرفته اند. گروپ های آنها شامل بعضی از افراد قبایل سمت انگلیسی خط دیورند میباشند، اما هیچ جیره خور انگلیسی در بین آنها دیده نمیشود. گزارش داده شده است که اکثریت بزرگ ماموند ها و چهارمینگ ها صادقانه به عساکر افغان در کُز بالا کمک میکنند.»¹

Kabul--

1. The King returned from Paghman to Kabul at the beginning of July to keep in touch with developments in the Eastern Province. He conferred with the Premier and the War Minister on 4th. July, and they agreed to send a large sum of money to Firqa Mishar Sardar Muhammad Daud Khan (W. W. 238), Commandant of the Kabul Army Corps, at Jalalabad to help him in mobilizing support against the Safi insurgents.

2. The Premier has instructed the C. I. D. staff in Kabul to watch the movements of tribal representatives under surveillance with special care during the disturbances in the Eastern Province.

3. The War Ministry has issued preliminary orders for the recall to service of several classes of conscripts. Their strength is said to amount to about 10,000 men.

(ii) Bribes distributed by Firqa Mishar Sardar Muhammad Daud Khan with money sent from Kabul by the Premier have already had an effect,

particularly among the Khugianis, who, despite their strained relations with Government, have given no sign of helping the Safis. The Shinwaris have also remained quiet, and most of their leaders are still at Jalalabad.

¹. راپور شماره ۲۷، مؤرخ ۱۴ جولای استخبارات انگلیس

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

«شاه در اوایل ماه جولای از پغمان به کابل برگشته است تا با انکشافات ولایت مشرقی در تماس نزدیک باشد. وی به تاریخ چهارم جولای با صدراعظم و وزیر دفاع مشوره نموده و آنها موافقه نموده اند تا یک مبلغ گزاف پول را به فرقه مشر سردار محمد داود خان، قوماندان قوای مرکز به جلال آباد بفرستند تا در بسیج حمایت علیه متمردين صافی کمک کند.

صدراعظم همچنان به مامورین ضابط احوالات در کابل هدایت داده است تا حرکات نمایندگان قبایل را، بخصوص در دوران ناآرامی ولایت مشرقی، تحت نظارت داشته باشند»².

«وزارت حربیه احکام مقدماتی فراخواندن نظامیان دارای رتبه های متعدد را صادر نموده است. گفته میشود تعداد این نظامیان به حدود ده هزار نفر میرسد.

تاثیرات توزیع رشوه توسط فرقه مشر سردار محمد داود خان، از پولی که صدراعظم از کابل فرستاده بود، پیش از پیش، بخصوص بین خوگیانی ها، با وجود مناسبات خراب شان با حکومت، دیده میشود. آنها هیچ علامت حمایت از صافی ها را نشان نداده اند. شینواری ها هم خاموش مانده و اکثر رهبران شان تا هنوز در جلال آباد میباشند»³.

حکومت درین دوران «الله خان» یکتن از ملکان صافی دره مزار را، که افراد قبیله اش مسئولیت حمله بر مامورین احصائیه را بدوش داشتند، توقیف و به جلال آباد فرستاد. دوتن از سران دیگر قوم صافی از دره های دیوگل و بادیل به ترتیب ملک ماموند و میرسلام خان هم درین دوران دستگیر شدند، اما دوتن اخیر شاید هم به سفارش سردار هاشم خان صدراعظم، که به سردار داود خان توصیه نمود تا در اعمال فشار از میانه روی کار بگیرد، بزودی رها شدند.

ملک «الله خان» بعد از آنکه شکنجه و آزار فراوانی را تحمل کرد، از جلال آباد زنجیر و زولانه به کابل فرستاده شد و تا زمانی که در زندان دهمزنگ کابل ازین جهان فانی چشم پوشید، در زندان بسر برد. الحاج محمد ارسلان زمانی که خود با خانواده اش برای مدت سیزده (۱۳) سال در زندان دهمزنگ بسر برده است از زبان ملک «الله خان» در زندان روایت میکند که «در جلال آباد توسط شخص سردار محمد داود خان مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. سردار داود خان در حالی که موزه های عسکری پوشیده بود، من را مورد ضربات لگد و مشت قرار داده و میخواست تا خانواده میرزمان خان و شخص عبدالرحیم خان صافی را بحیث عاملین و مشوقین حمله بر تیم مامورین احصائیه در دره مزار و مقاومت مردم گنر قلمداد کنم. اما من با ترس از خداوند حقیقت را گفته جواب میدادم که خانواده غازی میرزمان خان درین موضوع هیچ دخیل نبوده و من و مردم گنر اصلاً عبدالرحیم خان صافی را نمی شناسیم»⁴.

میرسلام خان هم که بعد از عکس العمل و قیام صافی ها دوباره زندانی ومهمان زندان دهمزنگ شده بود، گفته است که «بعد از آنکه با ملک ماموند خان در جلال آباد از توقیف آزاد و به گنر برگشتیم، ملک ماموند خان با من در باره مقاومت بمقابل تعرض قوای عسکری مشاجره لفظی نموده گفت: میرسلام خان! شما مانند «پیزار پشیدی» [یک نوع پیزار معروف آنوقت که در منطقه پشد ساخته میشد] انعطاف پذیر بوده با هر پای میسازید، اما من این حالت را نمیتوانم تحمل کنم. متأسفانه ملک ماموند خان هیچ مجال عکس العملی نیافت و در همان هفته اول در حالیکه پای پیاده و بدون اسلحه بین منطقه چوکی و «نورگل» سفر میکرد، مورد حمله گماشتگان خاندان حاکم قرار گرفته به شهادت رسید. سردار محمد داود خان بعد از آنکه مهر ملک ماموند خان را به نشانه ثبوت مرگش برایش آوردند، نفس راحتی کشید»⁵.

2 . همانجا

3 . همانجا

4 . مصاحبه ماه دسمبر سال ۲۰۱۵ این قلم با الحاج محمد ارسلان زمانی، پسر غازی میرزمان خان کنری .

5 . همانجا

جنرال میر احمد خان در خاطرات خود از جریان پیشرفت و فتوحات سردار محمد داؤد خان یاد آور شده مینویسد که در خار خانه قشله عسکری استراحت بودم که عبدالطیف خان، کندکمر توپچی، مرا بیدار کرد و گفت "

سردار صاحب آمده و بیرون انتظار است. خواب آلود برخاسته، حضورشان رفتم. فرمودند خواب بودید؟ عرض کردم چهار شب است نخوابیده بودم. به موترشان سوار شده به باغ ذخیره رفتیم. در بین راه فرمودند که لواها تعرض کتان به چوکی رسیدند و تلفات زیادی به اشرار رسانیدند، بلکه ملک مأموند هم کشته شده و چند نفر از دیوگل نیز کشته شده و چند نفر هم اسیر گرفته شده. فعلاً قوا در چوکی رسیده‌اند. گفتم خوب شد مع‌ال‌خیر از سوردی‌نیکه گذشتند. بعد از این کسی مقابله نمی‌تواند. حینی‌که به باغ رسیدیم سورگل را پیدا کرده، با محمدعارف خان که با لوای خود به سورگل بود حرف زدند. اطلاعات گرفتند. شب به خوشی گذشت. به کابل خبر داد که برای تمدید لین تلفون که از طرف اشرار قطع شده بود فوری نفری عمله و سیم بفرستید و هم از گذشتن لواها به تمام مشرقی به رادیو اخبار نشر شود.

۱۳ سرطان ۱۳۲۴: اطلاعات متواتر از فتوحات و پیشرفت قطعات و هم از ندامت و پشیمانی مردم می‌رسید. بالاخره امر دادند که کوشش شود که تلفون وصل شود. عمله رسید. به واسطه‌ی آئینه برقی از سوردی‌نیکه به کتر خاص و از آنجا به چوکی مخابره جاری بود و اطلاعات می‌رسید. امر دادند که ذریعه‌ی آئینه برقی به نایب‌الحکومه بگویند که به مشرقی بیاید. نایب‌الحکومه الی ساعت ۲۰ به جلال‌آباد رسید و شب مجلس کردیم. نایب‌الحکومه از فتوحات قوای مرکز و جنگ‌های مردانه‌ی شان داستان‌هایی گفت. حتی گفت حال کسی گوش خود را شور داده نمی‌تواند. هرخواست که دارید اجرا می‌شود. سردار صاحب گفت من چهار خواهش دارم: ۱ - نفوس شماری ۲ - بردن سرک به داخل دره‌ها. ۳ - نفر قومی که باقی مانده ۴ - تحصیل باقی مالیه و گدام گذشته.

نایب‌الحکومه به موضوعات موافقه کرده، اوامر ترتیب داده شد. اجرائات را الی رسیدن هیأت معطل کردند. به کابل گفتند که چند گروپ برای نفوس شماری برسد و هم به لوای محمد یعقوب خان که از پل گذشته بودند، امر دادند که سراسر به چوکی برود و تحت قومانده قوماندان مقرزه اجرای وظیفه نماید و هم باقی تعرضات را الی امر ثانی معطل کردند. خلاصه روزبه‌روز راهورهای خیریت می‌رسید و هم یک کندک توسط موترها الی اسمار و بریکوت

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

رفتند. امنیت هم خوب است. سردار صاحب توسط رادیو و اخبار از پیشرفت قوا و اطاعت مردم از این که چه می‌خواهند بکنند، تذکر دادند. بعد از چندی سردار صاحب آسوده‌خاطر شده و به وزیری رفتند. چاشت در آنجا بودند. از منزل ما سررشته‌ی نشان را به درستی کرده بودند. شب پس جلال‌آباد آمدیم. هیئت‌های احصائیه نیز به کاروبار خود شروع کردند. سه‌گروپ به سه دره فرستاده شدند: دره‌ی مزار، دره‌ی دیوگل و دره‌ی بادیل. روزهای جشن قریب شد. سید عبدالعزیز آقا را برای تحقیقات محبوسینی که از دره‌ی دیوگل و همان تفری که من از دره‌ی مزار فرستاده بودم، مقرر کردند. چند شب مسلسل تحقیق کردیم. درجمله‌ی محبوسین میرسلام بادیل هم بود.

سردار محمد داود خان خواهان مجازات شدید کنری ها میشود

به اساس راپور استخباراتی انگلیس ها «سردار محمد داود خان بتاريخ نهم ماه جولای به عجله از کابل بازدید نموده و گزارشش را به صدراعظم داده است. اعتقاد برین است که او اظهار داشته است که صافی ها تجرید شده اند و خواسته است که به او اجازه داده شود تا علیه آنها از اقدامات تنبیهی شدید کار بگیرد. صدراعظم در حالیکه موافق است تا صافی ها باید به دولت امتیاز انحصاری بدهند، به [داود خان] توصیه نموده تا دربرخوردش از میانه روی کار بگیرد. وی تمایل نشان داده تا اگر معضله قبل از رسیدن تجلیل جشن استقلال حل و فصل شود»⁶.

(v) Firqā Mishar Sardar Muhammad Daud Khan paid a flying visit to Kabul on 9th. July, and reported to the Premier. He is believed to have stated that the Safis were isolated, and to have asked for permission to take severe punitive action against them. The Premier, while agreeing that the Safis must make concessions, advised moderation and stressed the desirability of reaching a settlement before the Jashan celebrations.

غرور سردار داود خان، پاش دادن نمک بر زخم های مردم و آنچه باعث قیام سرتاسری صافی های کنر شد

سردار داود خان بعد از پیشروی قوای نظامی اش با غرور خاصی که داشت امر نمود تا جشن استقلال را در «منطقه چوکی» که در دهانه دره دیوگل قرار داشت و بعد از دره پیچ، بزرگترین دره محل بودو باش صافی ها بود،

⁶. راپور شماره ۲۷، مؤرخ ۱۴ جولای استخبارات انگلیس

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تجلیل شود. جنرال میراحمد خان جریان را در صفحه ۴۸۶ جلد دوم خاطرات شان چنین حکایت میکند که سردار صاحب امر دادند که نظر به »

پیشنهاد نایب‌الحکومه، جشن به ناحیه‌ی چوکی گرفته شود. تمام چیزهایی که برای ترتیبات جشن لازم بود، با عمده و فعله‌ی ولایت و چندین دسته ساز و غیره‌ی بلدیة‌ی جلال‌آباد به چوکی فرستاده شد و یک روز قبل از جشن، سردار صاحب کابل رفتند. من ماندم بدون کدام هدایت و بدون منظوری پول به جلال‌آباد. بالاخره یک ماهه خرج دستر خان نایب‌الحکومگی را که باقی مانده بود، امر حواله دادم و برای روز جشن یک ترتیبات گرفتم و دو سه دسته ساز پیدا کرده، جشن را رسمی گرفتم و برای نان چاشت قوای هوایی و غیره مأمورین را خواستم. جشن به خوشی گذشت. ساعت ۲۰:۵۰ روز اول سنبله خواستم که با محمدعارف خان لوامشر در سورگل حرف بزنم. از سورگل آواز عبدالعزیز خان، معاون لوا خیلی رعشه‌دار شنیده شد. گفتم خیریت است؟ گفت در اینجا خیریت است، لیک به طرف بالا چیزی گپ است.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ